

ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی؛ زمینه‌ساز برپایی تمدن اسلامی

سیداحمد رهنمایی / دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹
rahnama@qabas.net

چکیده

این پژوهش به بررسی ظرفیت‌های ویژه تربیت ولایی - جهادی در پایه‌ریزی تمدن جهانی اسلام می‌پردازد. سؤال اساسی این است که تربیت ولایی - جهادی، از چه ظرفیت‌هایی در دو سطح ملی و فراملی، برای برپایی تمدن جهانی برخوردار می‌باشد؟ در پاسخ به این سؤال، به روش توصیفی - تحلیلی، رابطه هم‌افزایی روحیه جهادی و ولایت‌مداری و نقش ترکیبی این دو عامل، در ایجاد زمینه برپایی تمدن جهانی روشن خواهد شد. در این میان، اشاره به دستاوردهای انقلاب اسلامی در داخل کشور، منطقه و شرق و غرب، به مثابه بخشی از ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی کافی است تا نشان آشکاری از قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و جلوه‌های این نوع تربیت، برای ایفای نقش در عرصه بین‌الملل و تحقق تمدن جهانی به دست دهد. تربیت ولایی - جهادی در جایگاه تربیتی پیشرو، پیش‌برنده، جهت‌بخش، با چشم‌اندازی روشن نه تنها در تراز انقلاب اسلامی و منویات بنیان‌گذار کبیر آن قرار می‌گیرد، بلکه می‌تواند تحقق بخش اهداف و آرمان‌های متعالی نظام اسلامی در سطح تمدن جهانی باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت ولایی - جهادی، ظرفیت تربیتی، تمدن جهانی، رابطه هم‌افزایی روحیه جهادی و ولایی.

ظرفیت‌های چند جانبه تربیت ولایی - جهادی در اموری نظیر فرهنگ‌سازی، شکوفاسازی استعدادها و خلاقیت‌های نهفته، تدارک زمینه لازم برای قیام، انقلاب و جهاد مردمی در راه تحقق آرمان‌های الهی، تشکیل دولت اسلامی در سطح داخلی، مدیریت بیداری اسلامی، تأسیس نظام اسلامی با چشم‌اندازی جهانی، مدیریت فرصت‌ها و تهدیدها و بحران‌های جهانی، زمینه‌سازی برای ظهور و قیام منجی جهانی، و سرانجام فراهم‌آوری بستری مناسب برای تحقق تمدن جهانی اسلام تجلی می‌یابد. تأکید بر این است که ظرفیت ویژه تربیت ولایی - جهادی، برای ظهور و تحقق تمدن جهانی اسلام مورد بررسی قرار گیرد. حاصل کلام این است که اولاً، انقلابی بودن و انقلابی ماندن در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی، رهین تربیت ولایی - جهادی است. ثانیاً تنها، از طریق تربیت ولایی - جهادی، می‌توان انقلابی عمل کرد و به آینده انقلاب و نتایج پر بار آن در تشکیل تمدن جهانی اسلام امیدوار بود. آنچه بیش از هر عاملی دیگر، توجه به این بحث را پر رنگ‌تر می‌سازد و انگیزه را برای طرح چنین بحثی تقویت می‌بخشد، رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری علیه‌السلام و تأکید ایشان بر برخورداری از روحیه جهادی و مبارزاتی، به ویژه در برابر مستکبران جهان و نجات مستضعفان و حمایت از آزادی‌خواهان، همچنین رهنمودهای این دو بزرگوار برای انقلابی ماندن و انقلابی زیستن و انقلابی عمل کردن و جهاد در همه ابعاد و موقعیت‌ها است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۸۲-۲۸۱؛ همو، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۲۳۷؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴ (ج) و (د)؛ همو، ۱۳۹۵ «الف» و «ب»)

به علاوه، توجه به دستاوردها و اهداف بلند و جهانی انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که جوهره انقلاب اسلامی، حقیقتی جز تربیت ولایی - جهادی ندارد. امام خمینی علیه‌السلام با همین جوهره انقلابی، روح ولایت‌مداری و جهاد و شهادت در راه آرمان‌های ولایی را در جسم و جان یاران و همراهان انقلاب اسلامی دمید. پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت در راه تحقق منویات امام راحل و اهداف مقدس انقلاب اسلامی، به‌ویژه پس از کسب تجربه‌های بسیار سودمند هشت سال دفاع مقدس، همچنین گسترش فرهنگ ولایی - جهادی در کشورهایی چون افغانستان، عراق، سوریه و لبنان و گرایش بسیاری از مردم این کشورها به سمت ایران، همه به مدد همین روحیه ولایی - جهادی صورت پذیرفته است. امروزه در عراق، لبنان، بحرین، یمن و برخی دیگر از کشورهای جهان اسلام، صاحب‌نظران از نقش ممتاز انقلاب اسلامی در پرورش روحیه انقلابی مردم حکایت می‌کنند و التزام به جهاد و روحیه مقاومت و انقلابی ماندن و با روحیه انقلابی زیستن را از جمله آثار از پیروزی انقلاب اسلامی می‌دانند (ر.ک: هادی، ۱۳۷۵، ص ۴۹، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۱۴۷، ۱۵۳؛ afghanirc.com؛ mizanonline.ir؛ moqawama.org؛ islamist-movements.com).

مجاهدتهای مسلمانان واقعی صدر اسلام در همراهی با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تأسیس و استقرار دولت نبوی و پس از آن فرمان‌برداری آنان از فرمان حضرت علی علیه‌السلام برای جهاد و مبارزه علیه ناکشین، قاسطین و مارقین، طی سه جنگ متوالی، تا وفاداریشان به ساحت حضرت سید الشهداء علیه‌السلام، نشان از جایگاه برجسته تربیت ولایی-جهادی دارد. در همین راستا، پیروی مردم ولایت‌مدار از امام راحل علیه‌السلام در پیروزی انقلاب اسلامی و ایثارگری‌های آنان طی هشت سال دفاع

مقدس و امروز گوش به فرمان مقام معظم رهبری علیه السلام در مسیر تداوم راه امام و انقلاب و پس از این، در زمینه‌سازی برای عصر ظهور، همه شواهدی از تربیت ولایی - جهادی را به تصویر می‌کشاند. تربیت یافتگان به تربیت ولایی - جهادی پیرو برخی از روایات معصومین علیهم السلام به گونه‌ای توصیف شده‌اند که نمونه ویژگی‌های شخصیتی آنان را در هیچ مورد دیگری نمی‌توان سراغ داشت. از جمله اینکه دل‌های آنان همچون آهن تقطیده محکم و استوار است، طوفان‌های سهمگین روزگار آنان را از جا نمی‌کند، توان هر کدام با نیروی چهل نفر برابری می‌کند، از حق طلبی باز نمی‌ایستند و خسته و رنجور نمی‌گردند، در برابر دشمن کمترین ترسی به دل راه نمی‌دهند و همواره بر خداوند توکل می‌کنند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷ ص ۲۱۶؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۳۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۷۶).

فرضیه پژوهش حاضر این است که دست کم در جوامع اسلامی، به پشتوانه تربیت ولایی - جهادی، می‌توان با برخورداری از روحیه ولایت‌مداری و مجاهدت در راه خداوند و تحقق آرمان‌های الهی و با اتحاد و یکپارچگی و در نظر گرفتن سایر شرایط و امکانات و فرصت‌ها، خویشتن را برای دفاع از حق و مبارزه با طاغوت‌های زمان مهیا ساخت و زمینه را برای برپایی تمدن اسلامی بیش از پیش فراهم آورد. از بیانات ائمه هدی علیهم السلام، در وصف یاران امام زمان علیه السلام به دست می‌آید که یاوران آن حضرت همه به تربیت ولایی - جهادی تربیت یافته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۰۸، ج ۸۱-۸۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۱۲، ج ۱؛ همچنین ر.ک: rafed.net). پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر شگرف آن در تعامل و یا تقابل سیاسی در منطقه و جهان، همچنین ورود انقلاب اسلامی به قلمرو ادبیات جهانی و جای گرفتن آن در صدر رویدادهای مهم جهان در چند صد ساله اخیر، روشن‌ترین گواه برای تشخیص اهمیت نقش و جایگاه تربیت ولایی - جهادی به شمار می‌رود. به بیانی که گذشت، نمی‌توان و نباید از ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی و اهمیت نقش و جایگاه آن در استقرار تمدن جهانی اسلام در عصر ظهور غافل ماند (ر.ک: کورانی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۹-۲۷۵).

رابطه تربیت و تمدن

تعلیم و تربیت بیش از هر چیز، بر توسعه و رشد، کمال و پویایی هدفمند انسانی از جنبه فردی و اجتماعی تأکید می‌ورزد. تمدن نیز به نوبه خود، محصول تحرک و پویایی و تحولات هدفمند انسانی است. از این رو، باید به وجود رابطه مابین تربیت و تمدن و پیرو آن همبستگی میان تربیت ولایی - جهادی، با تمدن اسلامی اذعان نمود. رابطه مزبور را می‌توان در تحولات مربوط به سه مقوله زیر تنظیم کرد و مورد بررسی قرار داد:

۱. رابطه هم‌افزایی تربیت و تمدن، در تحولات مربوط به عرصه‌های مختلف علمی، معنوی، فرهنگی، هنری، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، و...؛
۲. رابطه وجودشناختی تربیت و تمدن، در تحولات مربوط به ساحت‌های گوناگون مبانی، اصول، اهداف، روشمندی، عوامل، موانع، الزامات و ملزومات و...؛
۳. رابطه انسان‌شناختی تربیت و تمدن، در تحولات مربوط به سطوح مختلف شخصی، گروهی، فردی، اجتماعی، قومی، ملی، بین‌المللی و...؛

ایجاد چنین بستر و بهره‌برداری از چنین رابطه‌هایی در توان هر کسی نیست. تحقق این امر، رسالت بزرگی است که انجام آن بیش از همه، بر دوش مراکز علمی کشور و فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی گذاشته شده است. در بیانات مقام معظم رهبری چنین آمده است:

ما می‌خواهیم کشور خودمان - در درجهٔ اول، ... یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هر کسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعهٔ اسلامی لذت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این‌جوری؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی. می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد. ... دانشگاه با این سوابقی که گفته شد، با این ریشهٔ عمیق تاریخی که گفته شد، با این آزمون بزرگی که از خودش در انقلاب نشان داد، این دانشگاه چه نقشی می‌تواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن‌چنان جامعه‌ای و آن‌چنان ایرانی؟ روی این باید فکر کنید؛ یعنی همهٔ کارها را بر این اساس باید قرار بدهید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴ الف).

علاوه بر مراکز علمی و دانشگاه‌ها، سایر مراکز و مؤسسات علمی و فرهنگی و مذهبی، از جمله مساجد نیز از منظر رهبر معظم انقلاب «پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵ ج) به شمار می‌روند.

شاخص‌های تربیت ولایی - جهادی

در بیان چستی تربیت ولایی - جهادی، باید نخست به عناصری چون انگیزه و روح ولایت‌مداری و جهاد و تعهد توجه ویژه مبذول داشت. سپس با تکیه بر چنین انگیزه و روحیه‌ای، فعالیت‌های آموزشی - تربیتی را در راستای تحقق آرمان‌های الهی همسو و همتر از ساخت. بدین ترتیب، در تعریف مصطلح تربیت ولایی - جهادی، باید هم به حسن فعلی نظر داشت و هم به حسن فاعلی، یعنی اینکه هم باید اعمال و فعالیت‌ها را شایستهٔ مقام ولایی - جهادی انجام داد و هم انگیزه‌ها را در همین راستا آراسته و تقویت نمود. به عبارت دیگر، در تعیین و تشخیص معیار خوب و بد، هم باید به ظاهر و ساختار عمل توجه شود و هم به نیت عامل (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۱، ص ۶۰-۶۳).

در این نوشتار، آن‌سوخ از تربیت، به نوعی تربیت ولایی - جهادی نامیده می‌شود که بر محور ولایت ولی امر، به مفهوم خاص کلمه مشتمل بر پذیرش ولایت الله، ولایت معصومان علیهم‌السلام و ولایت فقیه استوار گردد و متری را در راستای تحقق منویات و مقاصد الهی صاحبان ولایت، به مجاهدت‌های پیگیرانه مبتنی بر ولایت محبت و ولایت تبعیت فراخواند. بدین ترتیب، ولایت‌مداری یعنی ابراز محبت و وفاداری نسبت به فرمان و رهنمود ولی امر به صورت طولی از بارگاه الهی تا جایگاه صاحب ولایت در عصر غیبت و ظهور، در راستای تحقق مقاصد و آرمان‌های الهی. برای دریافت برداشت بهتری از تربیت ولایی - جهادی، شاخص‌های برجستهٔ دوازده‌گانهٔ ویژه در این عرصه قابل توجه است:

۱. هماهنگی با فطرت بشری

خداوند وجود انسان را با فطرت حق‌پرستی، کمال‌جویی، سعادت‌طلبی و گرایش به تکیه‌گاهی قوی و مطمئن سرشته

است. انسان تربیت یافته به تربیت ولایی - جهادی در هم‌سویی و هماهنگی کامل با گرایش‌های فطری خویش در جستجوی کمال و سعادت حقیقی گام برداشته، نیل به چنین کمال و سعادت را در همراهی با ولیّ امر و وفاداری نسبت به فرمان او می‌داند و در حد توان تا آخرین درجهٔ اینثار از هیچ مجاهدتی دریغ نمی‌ورزد (ر.ک: رهنمایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳-۱۲۶).

۲. هم‌سویی با منویات و آرمان‌های ولیّ امر

آرمان‌های فرد تربیت یافته به تربیت ولایی - جهادی، در واقع نسخه‌ای از همان آرمان‌های مورد نظر ولیّ امر است. تحقق خواسته‌های ولیّ امر برای چنین فردی، از هر چیزی مهم‌تر و حیاتی‌تر و بر هر امری پیشه‌تر است.

۳. بصیرت‌افزایی انقلابی و حماسی

تربیت ولایی در هر عصر و زمانه‌ای، چه در دوران حضور، غیبت و یا عصر ظهور، در پرتو نورانیت برگرفته از رهنمودهای ولیّ امر، همواره روشنگر راه متریبانی است که در شرف تربیت یافتن به تربیت ولایی - جهادی هستند. این روشنایی و روشنگری، همچنان به مراتب تشکیکی رو به افزایش و گسترش است و روح حماسی را در کالبد و روان متریبان زنده و پویا و حفظ و تقویت می‌کند.

۴. سازگاری با گرایش انسان به سعادت

انسان هر اندازه بر دانشش افزوده می‌شود و هر چه سطح آگاهی او فراتر می‌رود، احساس نیازش به سعادت‌مندی و خوشبختی آشکارتر می‌گردد. وی به میزان درک خود از سعادت‌مندی، تعلق خاطرش به کسی یا کسانی که راهبر و راهنمای او به جانب سعادت‌مندی باشند، بیشتر و افزون‌تر می‌شود و بر لزوم پیروی از عالی‌ترین مقام هدایت‌گر، یعنی همان ولیّ امر که با هدایتش او را به سعادت می‌رساند، بیشتر تأکید می‌کند.

۵. التزام فداکارانه و مخلصانه به باورها و ارزش‌های الهی

ولیّ امر در جایگاه هدایت مردم، آنان را به التزام جدی نسبت به باورها و ارزش‌های الهی فرامی‌خواند و بر پیروی آنان از رهنمودها و سنن الهی نظارت می‌کند. ولایت‌مداران جهادگر، فداکارانه و با کمال اخلاص با چنین التزامی از سایرین متمایز می‌گردند.

۶. اشرف بر ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی

روح ولایت‌مداری در وجود تربیت یافتگان به تربیت ولایی - جهادی بر تمامی ساحت‌های زندگی انسان آنان، از فردی تا اجتماعی، از عبادی تا سیاسی، از معنوی تا اقتصادی، از فرهنگی تا حقوقی، و در یک کلام از دنیوی گرفته تا اخروی اشرف داشته، همهٔ این ساحت‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

۷. برخورداری از ساز و کار لازم برای پیشرفت به سوی کمال انسانی

از آنجا که نظام تربیت ولایی - جهادی، در اندیشهٔ تأمین سعادت دنیا و آخرت فراگیران و متریبان است، شرایط لازم

و کافی را بدین منظور مهم و حیاتی، در هر موقعیت زمانی و مکانی تا واپسین دم زندگی بشر بر روی زمین و پس از آن، تا نیل بشر به بهشت برین و جوار و قرب الهی فراهم می‌سازد. از این رو، یکی از ویژگی‌ها و برجستگی‌های تربیت ولایی - جهادی، سرشار بودن این نظام از محتوای غنی و کامل و کافی برای رساندن بشر به کمال اوست.

۸. هم‌گرایی با شایستگان

تربیت ولایی - جهادی، وجود تربیت یافتگان را سرشار از روح هم‌گرایی و همراهی با شایستگان ساخته، آنان را نسبت به ترویج و گسترش فضیلت‌ها برمی‌انگیزاند.

۹. واگرایی نسبت به مفسدان و مفاسد

اسلام مبارزه با مفاسد و مفسدان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و... را بسیار مهم و اساسی دانسته است. این امر، در سربرگ اندیشه و عمل اولی الامر الهی و پیروان ولایت‌مدار آنان قرار گرفته است. فساد به هر قسمی و مفسد از هر قشری، مورد تبری و بیزاری ولیّ امر و تربیت یافتگان به تربیت ولایی - جهادی است، به گونه‌ای که اصلاح امور جامعه، جز از طریق مبارزه با مفاسد و مفسدان میسر نمی‌گردد.

۱۰. زمینه‌سازی برای عصر ظهور

زمینه‌سازان عصر ظهور، همه از زمره تربیت یافتگان مکتب جهاد و ولایتند. شعارها و شاعر مرتب با زمینه‌سازی برای عصر ظهور، همه با حقیقت ولایت و جهاد در راه آرمان‌های ولی‌الله الاعظم علیه السلام ارتباط دارد. احادیث و روایات مربوط به یاران امام زمان و طلایه‌داران عصر ظهور و همراهان آن امام بزرگوار، برای تحقق منویات الهی اسلام در سطح جهان، دعای فرج، استغاثه به حضرت حجت، به ویژه دعای عهد، همه بر امر ولایت‌مداری و جهاد در لواء ایشان دلالت دارند (ر.ک: محدث قمی، ۱۳۸۷، ص ۸۵۱-۸۵۶).

۱۱. امیدواری نسبت به تحقق وعده الهی در امامت صالحان و گسترش عدالت جهانی

آیین نجات بشریت و دکترین عدالت جهانی، زیر پرچم ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام از جمله باورهای اصیلی است که تحقق آن منوط به تربیت ولایی - جهادی است. هر اندازه در این راستا، بشر کوشا تر و جدی‌تر باشد، امید به تحقق چنین آرمانی بیشتر و قوی‌تر خواهد بود (ر.ک: قصص: ۵-۶).

۱۲. سیر چهارگانه از خدا به سوی خدا و برای خدا

از همه برتر و مهم‌تر، باید به این شاخص مبتنی بر سیر چهارگانه بالا توجه کرد. نور این سیر، بر همه ابعاد زندگی و از جمله بر یازده بند بالا کاملاً پرتو افشانی می‌کند و به همه این امور، روح و روحانیت می‌بخشد. ما هر روز دست کم ده نوبت، خداوند منان را به ربّ العالمین یاد می‌کنیم، اما کمتر به مضامین این دو کلمه وحیانی توجه کرده‌ایم. کلمه نورانی ربّ به چهار مضمون یگانه - محور مربی، مدیر، مدبر، مالک تفسیر می‌گردد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص

۱۵). این شاخص سرچشمه ولایت‌مداری انسان با ایمان و فراهم آورنده زمینه انقلاب درونی و بیرونی در زندگی انسان است. این شأن مجاهدان ولایت‌مدار راستینی است که با همه وجود به خداوند ایمان می‌آورند و با تمام نیرو و تجهیزات در راه خداوند، تحت فرمان ولی امر در راستای تحقق آرمان‌های الهی پایداری می‌کنند.

ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی

انسان‌ها متناسب با نوع تربیتی که فرامی‌گیرند، ظرفیت می‌پذیرند. تربیت ولایی - جهادی انسان، به اندازه آثار خود، ظرفیت‌های گوناگونی را در نهاد وی ایجاد می‌کند. هریک از این ظرفیت‌ها، چنانچه به خوبی مدیریت و هدایت شود، می‌تواند در جای خود منتهی به بروز آثار انقلابی و حماسی ماندگار و پرثمر در ساحت‌های گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سایر عرصه‌های زندگی گردد و حرکت‌ها و جنبش‌های نابی را بروز و سامان دهد. این حرکت‌های ناب، می‌توانند سرانجام زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه و برپایی دولت کریمه حق و استقرار و گسترش تمدن بزرگ اسلامی باشند. مهم این است که تربیت ولایی - جهادی، بنا به اقتضای ماهیت خود، باید در پناه رحمت و لطف بیکران ربوبی، با اشراف و مدیریت و تدبیر عالمان و مریبان ربانی صورت پذیرد تا منجر به نتیجه مطلوب و آرمانی خود شود. این امر به نوبه خود، از یک سو مستلزم تداوم انقلاب اسلامی در دو سطح کشوری و جهانی است و از سوی دیگر، موجب هم افزایی دو محرک اصلی یعنی استمرار تربیت ولایی - جهادی در پرتو تداوم انقلاب اسلامی خواهد بود. از این رو، باید ظرفیت‌های معنوی، اعتقادی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تربیت ولایی - جهادی، همسو و هماهنگ با قدرت نرم انقلاب اسلامی و نقش و جایگاه این دو عنصر مهم، در فراهم‌سازی زمینه برای برپایی تمدن جهانی اسلام مورد بررسی قرار گیرند.

ظرفیت معنوی تربیت ولایی - جهادی

خط سیر تربیت ولایی - جهادی از منظر اسلام، به گونه‌ای است که به انسان ولایت‌مدار جهادگر توصیه می‌شود که بیش از همه نسبت به کسب مقام جهاد النفس؛ مقام مبارزه با هواهای نفسانی، به مثابه جهاد اکبر اهتمام ورزد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲). چنانچه انسان بر اکتساب این مقام و التزام به لوازم آن موفق گردید، می‌تواند در جایگاه جهاد کبیر (ر.ک: فرقان: ۵۲) دست رد به سینه طاغوت‌های زمانه زند و با کمال قدرت علیه دشمنان خدا به مثابه جهاد اصغر به مبارزه برخیزد (ر.ک: تحریم: ۹). آن دسته از مؤمنانی که به درک همه این مراحل از جهاد موفق گردند، شرط حق الجهاد در راه خدا را به جای آورده‌اند. اینان در مقام اداء حق الجهاد، ضمن چنگ زدن به ریسمان محکم الهی و برپایی نماز و پرداخت زکات و انجام سایر فرایض الهی، مورد توجه پیامبر عظیم الشان اسلام واقع می‌شوند و به نوبه خود گواه و الگوی سایرین قرار می‌گیرند (ر.ک: حج: ۷۸). در واقع، این مجاهدان حقیقی و راستین هستند که می‌توانند زمینه تحولات اساسی در ابعاد و زوایای وجودی افراد و جوامع را به وجود آورند و بستری مناسب برای تداوم انقلاب اسلامی و سرانجام ظهور تمدن نوین اسلامی در عرصه جهانی را فراهم سازند.

ظرفیت اعتقادی تربیت ولایی - جهادی

باورداشت نسبت به مقام ولایت و لزوم پیروی از پیامبر و اولی الامر مسلمین و اقدامات جهادی، برای تحقق منویات آن بزرگوران، همه از جمله اموری است که به تربیت ولایی - جهادی ظرفیت ویژه‌ای می‌بخشد که به پشتوانه آن، می‌توان به تداوم انقلاب اسلامی و تحقق تمدن جهانی اسلام امیدوار بود (ر.ک: مانده: ۵۵-۵۶). تمدن جهانی اسلام، مستلزم باور درست و حقیقی به اسلام ناب و درک اهمیت و نقش مبنایی و کاربردی آموزه‌های آن در ساماندهی امور فردی و اجتماعی در سطح جهانی می‌باشد.

ظرفیت حقوقی تربیت ولایی - جهادی

استیفای حقوق فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی افراد و جوامع بشری، نه تنها از جمله رسالت‌های خطیر و چشمگیر ولی امر مسلمین به شمار می‌رود، بلکه تربیت ولایی - جهادی، ایجاب می‌کند که ولایت‌مداران جهادگر نیز تحقق چنین امری را از جمله مهم‌ترین رسالت‌های الهی - انسانی خود بدانند و بر انجام آن کوشا باشند. حقوق مزبور، هنگامی استیفا خواهد شد که مردم، همه جا و به هر شیوه ممکن، برای اجرای قسط و عدالت قیام کنند و با هدایت و امامت شایستگان نماز و سایر فرایض را به پا دارند تا حقوق الهی استیفا شود و زکات و دیون شرعی و انسانی را پرداخت کنند تا حقوق انسان‌ها مراعات و تأمین گردد (حج: ۴۱). به حکم چنین رسالت الهی - انسانی است که در فرایند تربیت ولایی - جهادی، توجه به این رسالت عظمی، در نظر مریبان و متریبان هر دو، امری کلیدی و حساس محسوب می‌گردد. اگر نگوییم استیفای حقوق الهی و انسانی سرآمد همه رسالت‌هایی است که از تربیت ولایی - جهادی همسو با تداوم انقلاب اسلامی انتظار می‌رود و یا دست کم یکی از برجسته‌ترین مسئولیت‌هایی است که تربیت‌یافتگان به تربیت ولایی - جهادی باید بر عهده گیرند.

ظرفیت فرهنگی تربیت ولایی - جهادی

به نظر می‌رسد، از میان همه وجوهی که در مورد رابطه فرهنگ و تمدن بیان شده است، این وجه مناسب‌تر است که فرهنگ از جنس دستاوردهای معنوی مشتعل بر باورها، ارزش‌ها، افکار، اندیشه‌ها، آداب و رسوم است. در صورتی که تمدن از جنس دستاوردهای مادی و محسوس، شامل راهکارهای مشخص سلطه بر طبیعت و تسخیر آن در راستای بهینه‌سازی شرایط زندگی فردی و اجتماعی است (ر.ک: ساجدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶). بدین ترتیب، تمدن اسلامی، بخصوص محصول رشد و شکوفایی و پیشرفت علم و ادب و فرهنگ ناب ولایی - جهادی و تداوم انقلاب اسلامی است که از متن منابع اسلامی، از جمله قرآن و روایات معصومان سرچشمه می‌گیرد. فرهنگ اسلامی، در واقع بیان همان باورها و ارزش‌های اصیل اسلامی است که به صورت هنجارهای مهم نظری و رفتاری ظهور و بروز می‌یابند و در روند تربیت ولایی - جهادی، به طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه، ظرفیت لازم را برای برپایی تمدن جهانی اسلام احراز می‌دارند.

ظرفیت اجتماعی تربیت ولایی - جهادی

نظام تربیتی اسلام، در عین حال که به امور فردی توجه ویژه‌ای دارد، هیچ‌گاه از توجه به امور اجتماعی غافل نمی‌ماند، بلکه در شرایطی حتی نسبت به برخی از امور و شئون اجتماعی همچون حکومت و حاکمیت سیاسی - مدنی، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. بنا به اظهارات علامه طباطبائی، اسلام از میان همه سنت‌ها به سنت مربوط به شئون مجتمع و قوانین اجتماعی بیشتر اهتمام می‌ورزد. از این رو، ساز و کار لازم و از جمله امر به معروف و نهی از منکر را برای تأمین این مقصود فراهم می‌آورد (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۹۷). در فرایند تربیت ولایی - جهادی، به حسب موقعیت و نقش و شأن جامعه اسلامی، بر شئون اجتماعی به مراتب بیشتر از شئون فردی تأکید می‌شود. رسیدگی به امور اجتماعی و تأمین حقوق عمومی جامعه، از طریق تربیت ولایی - جهادی، به شرط اهتمام به حفظ لوازم و معیارهای آن، میسرتر خواهد بود. هنگامی که شرایط برای مراعات و تأمین حقوق مدنی و عمومی فراهم آید، جامعه به سلامت و آرامش دست کم نسبی دست خواهد یافت و با خیال آسوده و ترمیم وضعیت اجتماعی و مدنی خود، دامنه فکر و اندیشه خویش را از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب و برتر ارتقاء خواهد بخشید. جامعه‌ای این چنین، در نتیجه به تدریج الگوی عملی بسیاری از جوامع بشری خواهد شد و اندیشه و ارزش‌هایش به صورت فرهنگ عمومی رواج خواهد یافت؛ فرهنگی که سرانجام عنصری از عناصر سامان دهنده تمدن خواهد شد.

ظرفیت سیاسی - بین‌المللی تربیت ولایی - جهادی

نظر به اینکه عنوان ولایی - جهادی در فرهنگ و ادبیات و نظام سیاسی مورد نظر اسلام، از جایگاه والا و خاصی برخوردار است، به ظرفیت سیاسی این دو واژه بیشتر توجه می‌شود تا به سایر ظرفیت‌ها. اصولاً حکومت اسلامی هنگامی توجیه‌پذیر و قابل اجراست که در آن جایگاه و مقام ولایت و ولی امر مسلمین، به ویژه با روحیه انقلابی و جهادی محرز و محفوظ باشد. این از اصول مسلم حکومت اسلامی است به گونه‌ای که قوام چنین حکومتی، به وجود و حضور ولی امر جامع شرایطی است که از جمله شرط قیام و جهاد در را خدا را به تمام معنا احراز کرده باشد. این قیام و مجاهدت، هنگامی که تحت اشراف و نظارت ولی امر مسلمین با تحفظ بر تمام شرایط به استکبار ستیزی و مبارزه با کفر و فساد بیانجامد، اجازه نخواهد داد که دولت مردان یا کسانی دیگر، به بهانه سامان بخشیدن به امور مسلمین دست به دامن طاغوت شوند. چنین مبارزاتی زمینه را برای تحقق منویات الهی و عدالت اجتماعی فراهم می‌آورد تا بتواند زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی باشد (نساء: ۶۰).

در هر صورت، تشکیل و برپایی تمدن نوین اسلامی، به نوبه خود، در بیانات مقام معظم رهبری، پنجمین حلقه از فرایندی است که از انقلاب اسلامی آغاز می‌شود. پس از آن، به تشکیل نظام اسلامی، آنگاه دولت اسلامی، سپس، ایجاد کشور اسلامی و سرانجام، برپایه استوار این مراحل چهارگانه، به ظهور امت و تمدن اسلامی می‌انجامد (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴) روشن است تجزیه و تحلیل فرایند مزبور، مجال دیگری می‌طلبد، با این وجود، اشاره به نقش ماندگار انقلاب اسلامی در «تغییر موازنه قدرت در عرصه جهانی» خالی از فایده نخواهد بود. انقلاب

اسلامی با برخورداری از قدرت نرم و شگرفی همچون ایدئولوژی فراعصری و فرانسوی و جهان‌شمول خود، برای رهبری ادعایی غرب بر جهان و جوامع بشری کاملاً بحران‌آفرین و چالش‌برانگیز بوده است. از این رو، غرب در برابر چنین قدرتی، می‌کوشد تا با بکارگیری همه امکانات و فعالیت‌های فکری، سیاسی، اقتصادی و در مواردی، از طریق اقدام به تحریم‌های فلج‌کننده و حتی جنگ‌افروزی‌های خانمان‌سوز، مانع از تغییر وضعیت خودساخته باشد، مبادا سایه سلطه غرب بر جهان کمرنگ و یا به طور کلی، محو و برچیده شود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸ ص ۵۷۹-۵۸۰).

بررسی «جایگاه انقلاب اسلامی در سیورورت و تطور تاریخ» و یا تجزیه و تحلیل وضعیت آینده انقلاب اسلامی در چرخش و پیچ تاریخی جهان، از جمله مباحثی است که توجه نهادهای سیاسی را در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی به خود جلب کرده است و سیاست‌پردازان غربی را به خصوص به تأملات ویژه واداشته است. به هر حال، انقلاب اسلامی ایران از جمله حرکت‌های زودگذر و ناپایداری نیست که با موجی بر فراز باشد و با موجی دیگر به فرود. انقلاب اسلامی بدین ترتیب، نه تنها به تاریخ نیپوسته است، بلکه تاریخ‌ساز گشته و در سیورورت‌ها و تطورات تاریخی جهان، آن چنان از نقش و جایگاه ممتازی برخوردار گردیده است که احدی را یارای انکار این موقعیت هرگز نیست (ر.ک: شیرمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۴-۳۳۵).

جلوهای بارز ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی

در اینجا لازم است به بخشی از جلوه‌های بارز و عینی برآمده از ظرفیت‌های شش‌گانه تربیت ولایی - جهادی، در سطوح داخلی و خارجی اشاره شود تا اهمیت نقش و جایگاه چنین تربیتی، در راستای تحقق تمدن جهانی روشن گردد. برای رعایت اختصار، این جلوه‌ها را می‌توان در چهار ناحیه به شرح زیر ارائه کرد:

۱. حفظ و ثبات استقلال کشور و ملت ایران

وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن حفظ و ثبات استقلال جمهوری اسلامی ایران نتیجه تربیت ولایی - جهادی و زمینه‌ساز تحقق تمدن اسلامی است. استقلال در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، از جمله مهم‌ترین شاخص استقلال یک کشور به شمار می‌رود. در پرتو انقلاب اسلامی، به مدد تربیت ولایی - جهادی میهن و ملت ما از این شاخص مهم و حیاتی برخوردار گردید و از شر وابستگی به دول استعمارگر رهایی یافت. کشوری که از وابستگی و استعمارزدگی رهایی یابد، دارای اقتدار و اعتبار در سطح ملی و بین‌المللی خواهد شد. این اقتدار نیز ثمره‌ای بود که در سرزمین ایران از درخت انقلاب اسلامی به بار نشست. استقلال و اقتدار، دو عامل هستند که تمامیت ارضی کشور را تضمین می‌کنند. تمامیت ارضی نیز از برکات انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد. به اقرار دوست و دشمن و به رغم همه ترفندهای استکبار جهانی برای نا امن کردن کشور و یا دست کم نا امن جلوه دادن فضای کشور (آل‌هاشم، ۱۳۹۵، مهر، sjc.ir)، امنیتی که هم اکنون به یمن انقلاب اسلامی بر فضای کشور حاکم است، در هیچ کشور دیگری وجود ندارد. کشوری که بتواند روی پای خود بایستد و آقای خودش باشد، در حقیقت از چنان اقتدار و ابهتی برخوردار خواهد شد که همه قدرت‌ها از شکستش درمانده بمانند.

انقلاب اسلامی، نه تنها کمترین رو در رویی با حیثیت ملی ما ایرانیان پیدا نکرد، بلکه بسیار بهتر و برجسته‌تر از دوران گذشته، نسبت به عظمت و حفظ کیان ملی ایران و ایرانیان اهتمام ویژه ورزید. هم عرق ملی را در وجود هر ایرانی با غیرت زنده و پاینده‌تر ساخت و هم فرصت هر گونه تعرض بیگانگان به ملیت و کیان ملی ایران را از آنان سلب کرد. از این رو، اجازه هیچ‌گونه تعرض و جسارت را به هیچ بیگانه‌ای نخواهد داد.

ایران اسلامی سروری، استقلال، اقتدار، امنیت، ابهت، عظمت و حریت خود را وامدار پابندی به هویت پابرجا و استوار انقلاب اسلامی و التزام به تربیت ولایی - جهادی است. هویت اسلامی، در واقع خون‌به‌های شهیدان راه خدا از صدر اسلام تا کنون است؛ میراث گرانبهایی که به هیچ وجه، قابل معاوضه با هیچ چیزی نیست. در راستای جامعیت و قابلیت دین اسلام، بیان اظهارات صاحب‌نظران غربی خالی از لطف و فایده نیست. برای نمونه، کلاوس کینک، وزیر اسبق امور خارجه آلمان، می‌نویسد:

«اسلام پاسخ‌های روشنی به مسائل مختلف داده و این دین از یک سیستم فکری عملی منسجم برخوردار است. اسلام نه تنها دینی است که مداوم قلمرو دامنه خود را توسعه می‌دهد، بلکه توانایی حضور اجتماعی این دین در جوامع بشری روبه افزایش است.» پرفسور برنارد لویسی، از دانشگاه برنستون آمریکا نیز در همایش اسلام در اروپای غربی بر این نکته تأکید ورزید که «اسلام تنها یک رشته اعتقادات فردی نیست، بلکه یک نظام با قوانین متنوع است» (حاجتی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۸).

۲. ایجاد تحول در منطقه و جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران، به موازات نقش مهمی که در تأمین استقلال، اقتدار، امنیت، ابهت و جایگاه کشور در انظار جهانی ایجاد کرد، هم زمان بیداری اسلامی در میان جوامع اسلامی را به دنبال داشت و زمینه‌های عزت اسلامی و شکست ابهت صهیونیسم در منطقه و فروریختن هیمنه غرب استکباری را فراهم ساخت و همراه با بصیرت افزایی، روح خودباوری را در جوامع اسلامی تقویت کرد و عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی را از مرزهای جغرافیایی تا سواحل دریای مدیترانه گسترش بخشید. همه این امور، به پشتوانه تربیت ولایی - جهادی مردم و مسئولان انقلابی تحقق یافته است.

۳. تربیت ولایی - جهادی و مقاوم‌سازی فضای سیاسی شرق در برابر غرب

جهان شرق، به ویژه قدرت‌های شرقی متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرصت مناسبی برای بازسازی موقعیت سیاسی خود در سطح جهانی و در رویارویی با سیاست‌های استکباری - استعماری غرب دست یافتند. به علاوه، پیروزی انقلاب اسلامی معادلات جهانی را در تصاحب دو ابرقدرت غربی و شرقی به هم زد. هنگامی که هیمنه ابرقدرت شرقی درهم شکست، جهان شرق منتظر رویدادی بود که در اثر آن، هیمنه ابرقدرت غربی نیز درهم شکند. این بار، پیروزی انقلاب اسلامی نویدبخش فروپاشی روحیه ابرقدرتی در جهان شد و راه مبارزه با استکبار جهانی را پیش روی شرق اسلامی و غیراسلامی هموار ساخت و تا حد زیادی امنیت شرق در برابر غرب را تضمین کرد. این رویداد، به گونه‌ای اسباب تقویت موازنه منفی بین شرق و غرب را فراهم

ساخت و عامل بازدارنده‌ای در مقابل نفوذ پایدار غرب در شرق شد و ابهت از دست رفته شرق را به آن بازگرداند. این امر تا آنجا پیش رفت که امروزه غرب استکباری، در برابر خود وجود شرق قدرتمند را باور کرده است و به جای نبرد با شرق، خود را ملزم و مجبور به تعامل با شرق می‌داند.

۴. تربیت ولایی - جهادی و رویارویی با بلوک استعماری غرب

با پیروزی انقلاب اسلامی، امواج متضاد از انقلاب به سرعت فضای حاکم بر غرب را در بسیاری از عرصه‌ها و بیش از همه، در عرصه سیاست درنوردید. پیام انقلاب اسلامی به گوش سردمداران غرب رسید. آنان را متوجه حرکت سهمگینی ساخت که به تازگی از ایران آغاز شده بود و رفته رفته داشت جهان را به واکنش مثبت و منفی وامی‌داشت. این پیام، برخاسته از عمق اسلام ناب بود که انقلاب اسلامی زمینه آشنایی غرب را با آن فراهم می‌ساخت. پیام مزبور، هم‌زمان با بیدارسازی وجدان‌های خفته غرب، فرهنگ و اندیشه لیبرال - دموکراسی حاکم بر غرب را به جد به چالش کشید و با آوای رسا، آن را به عرصه هم‌آوردی فراخواند. سیاست‌مداران غربی از روی درماندگی، ترفندی جز مبارزه بی‌امان با انقلاب اسلامی برای جلوگیری از گسترش جهانی پیام اسلام ناب به کار نبستند. اما به رغم تلاش‌های بیهوده‌ای که غرب در مبارزه با انقلاب اسلامی متحمل شد، این انقلاب تا کنون نویدبخش وجدان‌های بیدار در شرق و غرب جهان بوده است. نمونه‌هایی از تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را باید در جریان گرایش روزافزون غربیان به اسلام مشاهده کرد. همان‌گونه که دکتر جان ول (John Well) اظهار می‌دارد: «در سال‌های اخیر شمار زیادی از مردم آمریکا به اسلام گرویده‌اند...» (همو، ۱۳۸۲، ص ۴۰۲). در واقع، گرایش غربیان به اسلام، به ویژه گرایش به اسلام ناب آن هم طی سه دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حکایت از تأثیر شگرف انقلاب اسلامی بر این جریان دارد. همه این نقش‌ها، تأثیرگذاری‌ها و گرایش‌ها از خواص تربیت ولایی - جهادی و نشانی از گسترش پیام انقلاب اسلامی است.

در این میان، هرگز نباید داوری منصفانه برخی مستشرقان را در مورد اهمیت نقش اسلام در پیشرفت جهان از نظر دور داشت. پیش از این، مستشرقانی بوده و هستند که از روی حق و انصاف در مورد نقش چشمگیر اسلام و دانش و فرهنگ اسلامی، بر پیشرفت غرب تأکید ورزیده‌اند. برای نمونه، *گوستاولوبون*، با اشاره به نقش شگفت‌انگیز تمدن اسلامی در جهان غرب، اعراب مسلمان را عامل اصلی انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به غرب معرفی می‌کند. وی سپس، بر این نکته تأکید می‌ورزد که برخی اروپاییان نمی‌توانند بپذیرند که اعراب مسلمان، اسباب خروج غرب از حالت توحش و جهالت را فراهم آوردند. این گروه، به گمان خویش سلطه مسلمانان را ننگی بر دامن غرب دانسته، بر این باورند که اروپا به ناچار باید چنین ننگی را به سختی تحمل کند. در این میان، بیش از همه اخلاق و معارف علمی، ادبی و فلسفی جهان اسلام بود که غرب را تحت تأثیر قرار داد و دروازه‌هایی از علم و معرفت و انسانیت را به روی غرب گشود و ششصد سال تمام، سایه استادی خود را بر سر اروپاییان گستراند (ر.ک:

من مسلمانان را رقیبانی که به زور و سرزده وارد اروپا شدند نمی‌دانم، بلکه آنها را نمایندگان یک تمدن، با دستاوردهای بزرگ می‌دانم که به خاطر اعتبار و منزلتشان در بخش وسیعی از کره زمین مسلط شدند و منافعشان به سرزمین‌های مجاور نیز جریان یافت... هنگامی که انسان تمام جنبه‌های درگیری اسلام و مسیحیت در قرون وسطی را در نظر بگیرد، این روشن خواهد بود که تأثیر اسلام بر جامعه مسیحیت بیش از آن است که معمولاً شناسایی می‌شود. اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات تکنولوژی اروپا شریک است و نه تنها اروپا را از نظر عقلانی در زمینه‌های علم و فلسفه برانگیخت، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود به وجود آورد (وات، ۱۳۷۸، ص ۱۶ و ۱۴۳).

با توجه به موقعیت ممتاز و سرآمدی که اسلام در گذشته توانسته و در آینده نیز خواهد توانست در سطح جهانی ایجاد کند، لازم است با مدیریت درست و شایسته، نسبت به کشف و شناسایی راه‌های ترویج و گسترش مضامین و کارکردهای تربیت ولایی - جهادی و تبیین پیام انقلاب اسلامی برآمده از اسلام ناب اهتمام ورزید و با تأکید بر اموری همچون طراحی و برنامه ریزی دقیق و روزآمد در عرصه تعلیم و تربیت ولایی - جهادی، تبلیغات و اطلاع رسانی فراگیر و جهانی برای تربیت ولایی - جهادی، ایجاد فضای مناسب برای درک متقابل داعیان اسلام ناب و جامعه هدف از یکدیگر، به ارایه تفسیر برگزیده از اسلام ناب و اهداف تربیتی آن پرداخت و به پشتوانه تربیت ولایی - جهادی، زمینه ظهور تمدن اسلامی در سطح جهان فراهم ساخت. برای تحقق این هدف والا، لازم است متصدیان امور نسبت به خالص سازی انگیزه‌های تربیتی در راستای نیل به رضایت الهی و همسوسازی فعالیت‌های تربیتی در راستای تأمین منویات ربوبی همت گمارند و شخصیت‌ها و گروه‌های ذی نفوذ، برای هم‌اندیشی، هم‌افزایی، تفاهم و هم‌گرایی هر چه بهتر و بیشتر تلاش جدی به عمل آورند تا زمینه برای انقلاب فرهنگی و بصیرت‌افزایی فراهم آید و شرایط برای ارایه الگوهای برجسته عینی و واقعی از برابند تربیت ولایی - جهادی، در برابر الگوهای سکولار غربی میسر گردد. روشن است در هم‌آورد اسلام و غرب، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و صنعتی در جوامع و کشورهای اسلامی نیز با فراگیری دانش‌های لازم و مفید و اولویت‌دار همراه با کسب فناوری‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای رشد و تعالی علمی و فناوری جهان اسلام، می‌توانند نقش چشمگیری در پایه‌ریزی تمدن اسلامی ایفا کنند.

بنابراین، چنانچه ظرفیت‌های تربیت ولایی - جهادی از جنبه ثبوتی و واقعی، آن چنان که هست، مورد بازبایی و بازشناسی دقیق قرار گیرد و از جنبه اثباتی، آن چنان که باید و شاید، به اجرا گذاشته شود، می‌توان به اهمیت و جایگاه این ظرفیت‌ها در روند زمینه‌سازی برای تمدن جهانی امیدوار بود. طبیعی است، وجود موانع و چالش‌ها هر چند درد سر آفرین و مشکل‌زاست، اما همواره راهکارهای مناسب و اثربخشی برای رفع آن موانع و برون رفت از آن، در دسترس و قابل اجرا می‌باشند.

آحاد و همه جوامع بشری، به تربیت شایسته مطابق شأن و منزلت انسانی، در پرتو بازشناسی راه صحیح و مستقیم از راه کج و انحرافی نیازمند هستند. با این وجود، آنان به تنهایی و صرفاً با تکیه بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های خویش و بدون پشتوانه‌ای الهی، از درک و بازشناسی دقیق منظور فوق و تأمین بخش عظیمی از این نیاز ناتوانند.

اینجاست که لازم است به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دیگری، ماورای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی پی برد. قدرت نرم اسلام از طریق رشد و گسترش تربیت ولایی - جهادی، ظرفیت این را دارد که بستر مناسبی برای ظهور یک انقلاب فرهنگی در سطح جهان فراهم آورد؛ انقلابی که در رویارویی با هجمه فرهنگی گسترده غرب، شرایط را برای کشف و شناسایی مسیرها و ابزار انتقال و ترویج فرهنگ و ارزش‌های جاودانه و جهانی اسلام ناب، در سراسر جهان مساعد می‌گرداند. در این صورت، نمایان اسلام ناب و تربیت یافتگان، به تربیت ولایی - جهادی به منظور انجام رسالت خطیر الهی خویش باید با مجهز شدن به وسائل و امکانات روزآمد، گستره جهان را تحت تأثیر تبلیغات و اطلاع رسانی به روز و کافی و همه جانبه قرار دهند؛ زیرا هیچ ابزاری کارآمدتر و مؤثرتر از فعالیت‌ها و اقدامات تبلیغاتی فکری و عملی مناسب نیست، بلکه به تعبیر امام خمینی علیه السلام «سلاح تبلیغات برنده‌تر از سلاح در میدان‌های جنگ است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۱۳).

از این رو، تربیت ولایی - جهادی، نقطه آغازین و بنیابین و فرجامین انقلاب عظیم فرهنگی، برخاسته از متن اسلام ناب و قدرت نرم انقلاب اسلامی است که شرایط جهانی را برای ورود بشریت به عصر نوینی از تمدن با ساختار و محتوای اسلامی مهیا می‌گرداند؛ عصری که نوید فجر و پیروزی اسلام در سراسر جهان خواهد بود و با عنایت و مشیت و اراده الهی، به ظهور دولت کریمه امام زمان علیه السلام خواهد انجامید.

لوازم تجلی تمدن اسلامی در سطح جهان

از آنجا که تمدن جهانی اسلام از منظر وحی، فطرت و خرد ناب، محصول رشد، شکوفایی، پیشرفت و تعالی باورداشت‌ها، علم، ادب، فرهنگ و ارزش‌ها به طور فراگیر و در سطح جهانی است، نیازمند پشتوانه‌ای بسیار نیرومندی چون تربیت ولایی - جهادی است. بر این اساس، تربیت ولایی، به مثابه تربیتی که همراه با رحمانیت و لطف و نظارت ربوبی، تحت اشراف الهی ولی امر مسلمین و از طریق وی با مدیریت و تدبیر مریبان شایسته و خودساخته، انجام می‌پذیرد، دارای ویژگی‌هایی است که از میان آنها، می‌توان به جهاد در راه خداوند و تحقق آرمان‌های الهی اشاره کرد؛ جهادی که از مرحله جهاد النفس آغاز می‌شود و با ایجاد تحول اساسی در ابعاد گوناگون وجودی انسان، تا مرحله حق‌الجهاد پیش می‌رود.

از سوی دیگر، تمدن اسلامی از منظر مفهوم اصطلاحی و کاربردی، شامل آن دسته از پیشرفت‌های کمی و کیفی و فراگیر علمی است که از جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی فراز دانش و اخلاق و معنویت جامعه به شمار می‌رود و مشتمل بر دستاورهای گوناگون فنی و علمی بشر می‌باشد. تمدن در سنجش وحی، فطرت و خرد ناب، باید از پشتوانه غنی علمی و فرهنگی برخوردار بوده، همواره با حرکتی پیشرونده و نگاهی به جلو، و با کسب اعتبار لازم نشان از هوشمندی، شایستگی، توانمندی و خلاقیت جوامع هم‌گرای تمدن‌آفرین داشته باشد.

تمدن اسلامی، به وصفی که بیان گردید، دارای جلوه‌های ویژه‌ای چون مجتمع‌های شهری به هم پیوسته با روابط شهری و نظامنامه شهروندی مرتب و مناسب و پیشرو، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شهروندان در راستای رفع نیاز

یکدیگر به یمن پاسداشت ارزش‌های والای الهی و انسانی در ارتباط با همدیگر و غنای علمی و فرهنگی می‌باشد. نتایج برآمده از این جلوه‌ها، که سند هوشمندی و شایستگی و توانمندی جوامع انسانی به شمار می‌روند، فضای مطلوبی برای همکاری و مشارکت در امور جاری عام‌المنفعه و اجتماعی، حرکت رو به جلو در تقابل با سیر قهقرایی، انجام امور به پشتوانه فکر و درایت و فناوری پیشرفته و پیشرفت‌های چشمگیر و فراگیر در نتیجه فعالیت‌های منسجم را سامان خواهد بخشید. چنین تمدنی، با اعمال تدابیر مدنی لازم، به موازات پیچیدگی نظم و انتظام اجتماعی و به خدمت گرفتن مهارت‌های ویژه در ساخت و به کارگیری تجهیزات و ابزار پیچیده و کاملاً فنی و حرفه‌ای، فرهنگ‌ساز و سعادت‌آفرین خواهد بود.

تمدن اسلامی، به مثابه تمدنی راستین، با ساز و کار خود در مبارزه با جهل و ظلم و فراهم‌سازی زمینه سعادت دو جهانی بشر، در سطح جهان شکل خواهد پذیرفت. «تمدن اسلامی»، در بیان مقام معظم رهبری «یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، با این بیان، انسان در سایه تمدن اسلامی است که می‌تواند «زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد. انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی یعنی این. هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (همان). از منظر رهبر انقلاب، برپایی تمدن نوین اسلامی، که از مهم‌ترین وظایف جهان اسلام برشمرده شده است، با آنچه قدرت‌ها در باره آن می‌اندیشند و به آن عمل می‌کنند، یک تفاوت اساسی دارد. بدین ترتیب، تمدن نوین اسلامی هرگز

به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. ... امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. و تلک الايامُ نداولها بین الناس. امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ب).

نتیجه‌گیری

نیاز مبرم و جدی بشریت به تشخیص راه درست و مطمئن زندگی و حرکت در مسیر آن، برای تأمین آسایش و آرامش و سرانجام، دستیابی به سعادت جاویدان، از جمله عوامل مهمی هستند که در طول تاریخ همواره انسان‌ها را بر آن داشته است تا در صدد کشف راهکارها، ابزار و وسائل مناسب برای تأمین نیاز بالا برآیند. نیاز مزبور در سطح جهانی قابل پیگیری و بررسی است، از این‌رو، اختصاصی به ملت، آیین و جامعه و کشور خاصی ندارد. هم‌زمان

ناتوانی آحاد و جوامع از تأمین مصالح و خواسته‌های به حق خویش، به صورت مستقل و بدون پشتوانه‌ای از عالم غیب و ملکوت، انسان‌ها را بر آن می‌دارد تا از میان راهکارهای موجود به راهکاری بیاندیشند که بتواند نیازشان به کمال و سعادت مادی و معنوی را به طور کامل برآورده سازد.

در فرهنگ و تمدن حقیقی بشر، یعنی فرهنگ و تمدنی که از مبانی راسخ و اصول پایدار برخوردار است و سلسله باورها و ارزش‌های مورد قبول آن همه متین و تخلف‌ناپذیرند، با تکیه بر قدرت نرمی چون تربیت ولایی - جهادی، می‌توان نسبت به تأمین سعادت بشر در دنیا و آخرت امید بست. بر این اساس، فرهنگ و تمدن به مثابه تار و پود در هم تنیده یک جریان و در واقع دو روی یک سکه به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، این فرهنگ است که قابلیت تمدن‌سازی را داراست و این تمدن است که نشان از پیشرفته بودن و کمال یافتگی فرهنگ دارد.

ما هنوز آن چنان که باید و شاید، به اهمیت نقش تربیت ولایی - جهادی پی نبرده‌ایم. با این وجود، مواردی در تاریخ یافت می‌شود که مطالعه و یا حتی مشاهده آنها، ما را با صحنه‌های اثربخشی از تربیت ولایی - جهادی و نتایج برآمده از آن روبرو می‌سازد. پیروزی انقلاب اسلامی، در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ، مروری بر هشت سال دفاع مقدس، مشاهده به روز احوال مدافعان حرم و بررسی انگیزه‌های شایسته رزمندگان و مجاهدان راه خدا، در دفاع از فرهنگ و ارزش‌های متعالی و مبارزه با فساد و تباهی و ظلم و بی‌عدالتی، نشان بارزی از کمیت و کیفیت نقش تربیت ولایی - جهادی و جایگاه آن در تحقق آرمان‌های الهی و سرانجام، زمینه‌سازی برای تمدن جهانی اسلام دارد.

از این رو، مجموعه باورها و ارزش‌های برگرفته از ناحیه تربیت ولایی - جهادی، با حفظ شرایط و اقتضائات به منزله خمیرمایه تمدن جهانی اسلام، در تأسیس چنین تمدنی سهم بسزایی دارند. بنابراین، تربیت ولایی - جهادی، که به عبارتی تربیت بر اساس باورها و ارزش‌های الهی - ولایی است، متربی را مستعد هرگونه مجاهدت و مقاومت در راستای تحقق آرمان‌های الهی و مراقبت و محافظت از آنها می‌سازد. بدین صورت، می‌تواند به ظهور و ثبات فرهنگ پیشرونده و فراگیری بیانجامد که زمینه‌ساز تمدن اسلامی باشد. رهنمودهای روشن‌گرانه رهبر معظم انقلاب، نه تنها بر تأسیس تمدن نوین جهانی توسط امت اسلامی تأکید می‌ورزند، بلکه فراتر از آن، وجوه تمایز تمدن‌سازی اسلامی را با تمدن‌سازی غربی آشکار می‌کنند. درک و احراز این جایگاه رفیع، برای امت اسلام در عصر، از راه تربیت ولایی - جهادی میسر خواهد بود.

منابع

- ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
- آل‌هاشم، سیدمحمد علی، ۱۳۹۵، سخنرانی در جمع فرماندهان، کارکنان و سربازان مرکز آموزش شهداء وظیفه نیروی زمینی (آجا)، تهران، در: yjc.ir.
- حاجتی، میراحمدرضا، ۱۳۸۱، *عصر امام خمینی*، قم، بوستان کتاب.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۴، تهران، *خطبه اول نماز جمعه*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۲، سخنرانی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، تهران، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۴الف، سخنرانی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، تهران، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۴ب، سخنرانی در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۴ج، سخنرانی در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، تهران، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۴د، سخنرانی در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، مشهد، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۵الف، سخنرانی در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، مشهد، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۵ب، سخنرانی در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، تهران، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۵ج، سخنرانی در دیدار انجمن جماعات مساجد استان تهران، تهران، در: Khamenei.ir.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۴، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- رهنمایی، سید احمد، ۱۳۸۷، *حکومت جهانی واحد: رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۸، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۸، *گذری بر زوایای تمدن غرب (نشست علمی غرب‌شناسی)* در اسلام و غرب، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شیر محمدی، محمد مهدی، ۱۳۸۸، *جایگاه انقلاب اسلامی در صبرورت و تطور تاریخ در تأملاتی در فلسفه انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن در جهان معاصر*، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح قم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۱، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریة.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۸، *انقلاب اسلامی و تغییر موازنه قدرت در عرصه جهانی* در تأملاتی در فلسفه انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن در جهان معاصر، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح قم.
- قمی، شیخ عباس (محدث قمی)، ۱۳۸۷، *کلیات مفاتیح الجنان*، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم، آیین دانش.
- کورانی علی، ۱۳۶۹، *عصر ظهور*، ترجمه حجت جلالی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- لوبون گوستاو، ۱۳۴۷، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح رسولی محلاتی، هاشم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱، *صهباى حضور: شرح دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه*، گرد آورنده اسدالله طوسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر.

النعمانی، ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، *الغیبیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

وات ویلیام مونت گمری، ۱۳۷۸، *تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی*، ترجمه حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

هادی، سهراب، ۱۳۷۵، *امام خمینی و جهان معاصر: سلسله گفت‌وگوهایی به مهمانان شرکت کننده در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.